



دوره دهم تقوینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۱۲۵

جلسه

۱۲۵

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

مطبعه مجلس

قیمه اشتراك

داخله ایران سالانه ده تومان
خارجه « دوازده تومان

قیمه تک شماره

یک قران

تاریخ تاسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه پنجشنبه ۱

خرداد ماه ۱۳۰۹

مطابق ۲۳ ذیحجه

۱۳۴۸

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه اول خرداد ماه ۱۳۰۹ (بیست و سوه ذی حجه ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) شور اول لایحه اصلاح امتیاز نامه بانک شاهنشاهی
- (۳) تقدیمی اضافه اعتبار برای تعمیر مقبره فردوسی
- (۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس بیست و نهم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه را آقای موید (منشی) قرائت نمودند

رئیس - آقای فرش

رئیس - آقای فرش

رئیس - آقای فهمی

رئیس - آقای وثوق

[۲ - شور اول لایحه اصلاح امتیاز نامه

بانک شاهنشاهی]

رئیس - آقای وثوق

رئیس - آقای زوار

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بضمیمه ۵

رئیس - آقای زوار

امتیاز نامه بانک قرائت میشود :

زوار - قبل از دستور

این مذاکرات مشروح یکصد و بیست و پنجمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

خبر کمیسیون اقتصاد ملی

کمیسیون اقتصاد ملی در تاریخ ۳۱ اردیبهشت بمشارکت کمیسیون محترم بودجه و آقای رئیس الوزراء آقای وزیر داخله لایحه نمره ۸۱۷۰ دولت راجع بالغای حق صدور اسکناس را مورد شور و مذاقه قرار داده و در نتیجه با توضیحاتی که آقای رئیس الوزراء بیان نمودند کمیسیون با مواد پیشنهادی عیناً موافقت و از آنجائیکه در مقدمه لایحه دولت توضیحات لازمه داده شده و البته از نظر مصالح مملکتی هم خود آردین نمایندگان محترم لزوم چنین قرار دادی را تصدیق خواهند نمود محتاج بتوضیحات بیشتری غیر از آنچه در مقدمه لایحه ذکر شده است نمیدانند و اینک مواد چهار گانه پیشنهادی دولت را عیناً برای تصویب تقدیم ساخت مجلس شورای ملی مینماید

رئیس - خبر کمیسیون بودجه در این موضوع قرائت میشود
خبر کمیسیون بودجه :

کمیسیون بودجه در تاریخ ۳۱ اردیبهشت لایحه نمره ۸۱۷۰ دولت راجع بالغای حق صدور اسکناس مطرح و مورد شور و مذاقه قرار داده بالاخره با قسمت مالی ان اظهار موافقت و اینک راپورت آنرا تقدیم مینماید
رئیس - متن قرار داد قرائت میشود
(شرح اتی قرائت شد)

ضمیمه نمره ۵ امتیاز نامه بانك شاهنشاهی

نظر بلزوم تناسب دادن شرایط امتیاز نامه بانك شاهنشاهی که در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ امضاء شده و پس از آن بواسطه ضمانتی بعداً تغییر یافته و تکمیل شده است با اوضاع جدید ایران و با ترقیات اقتصادی که بسبب این تغییر اوضاع صورت امکان پذیرفته و بالتیمجه نظر بلزوم تغییر شرایط امتیاز نامه برای نیل به تناسب مزبور دولت شاهنشاهی ایران که در این ضمیمه بعنوان (دولت) اسم برده میشود به نمایندگی

جناب اشرف آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء و وزیر مالیه و بانك شاهنشاهی ایران که در این ضمیمه (بانك) نامیده میشود بنماینده کی آقای سیدنی فرانك روحرس عضو هیئت مدیره و ادوارد و بلکنسن رئیس كل بانك شاهنشاهی در مواد ذیل توافق نظر حاصل نمودند :

ماده ۱ - بانك از حق صدور اسکناس که منحصرأ از طرف دولت ہو و واگذار شده بود صرف نظر میکند مسلم است که بانك عهده دار است که در تحت نظارت کمیسر عالی دولت و تا موعدیکه باید بین دولت و بانك معین شود ولی نباید دیرتر از بیستم ژوئن ۱۹۳۱ (آخر خرداد ۱۳۱۰) باشد وجه کلیه اسکناسهای صادره خود را تادیه نماید پس از انقضاء موعده مذکور بانك وجه اسکناسهایی را که برای تبدیل به بانك مسترد نشده باشد بدولت خواهد پرداخت
ماده ۲ - در نتیجه ماده قبل :

اولا پس از اینکه بانك تادیه قیمت اسکناسهای صادره را در تحت نظارت کمیسر عالی دولت انجام داد دولت از حقی که دارد که بتوسط کمیسر عالی خود نسبت به بانك اجرای تفتیش حاصل بنماید صرف نظر میکند شغل کمیسر عالی منحل شده و مبلغی که بانك بعنوان حقوق مشارالیه بدولت تادیه مینمود دیگر بر عهده بانك نخواهد بود

ثانیاً - از تاریخ اعتبار یافتن این ضمیمه تادیه حق الامتیاز بانك که عبارت از صدی شش عایدات خالص سالیانه بوده و بر طبق شرایط امتیاز بانك باید بدولت پرداخته شود از عهده بانك ساقط خواهد شد ثالثاً - برای جبران انصراف بانك از حق صدور اسکناس دولت در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۱ مبلغ دوست هزار لیره پول نقد در لندن به بانك تادیه خواهد نمود

رابعاً - دولت به بانك اجازه میدهد که در معاملات خود املاك غیر منقول را بوثیقه قبول کند و حتی برای وصول طلب خود املاك وثیقه گذارده شده را

اتباع نماید ولی این مالکیت موقتی بوده و نباید از یکسال تجاوز نماید

ماده ۳ - هر نوع اختلافی که بین دولت و بانك بروز آید و بین خودشان بخوشی حل نشود بتقاضای هر يك از طرفین به حکمیت مراجعه خواهد شد طرز حکمیت بشرح ذیل خواهد بود :

هر يك از طرفین در ظرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز کند حکم خود را معین خواهد نمود طرفی که در ظرف این مدت حکم خود را معین ننمود در حکم این خواهد بود که حکم طرف مقابل را بعنوان حکم واحد قبول کرده است

حکمین بت به الاختلاف رسیدگی کرده و مکلف خواهند بود که آنرا در ظرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز کند رفع نمایند و در صورت عدم توافق نظر در ظرف مدت فوق حکمین در مدتیکه از يك ماه نباید تجاوز کند برای تعیین حکم ثالثی موافقت خواهند کرد و حکم ثالث مزبور به حکمین ضمیمه شده محکمه حکمیت را تشکیل میدهند و محکمه مزبور با اکثریت آراء حکم خواهد کرد

در صورت عدم توافق نظر حکمین در مدت مذکور در فوق در باب حکم ثالث طرف مقدم از رئیس مؤسسه اقتصادی و مالی جامعه ملل تقاضا خواهد کرد که حکم ثالث را معین بکند و پس از تعیین او حکمیت بترتیب مذکور در فوق واقع خواهد شد حکمین و یا محکمه حکمیت در صورت تشکیل آن که مرکب از حکمهای ثلاثه خواهد بود قطعی و غیر قابل استیناف و تجدید نظر خواهد بود

در صورتیکه یکی از اشخاصیکه حکم معین شده اند نتواند برای حکمیت حاضر شود ثانیاً بر رئیس مؤسسه اقتصادی و مالی جامعه ملل برای تعیین عوض او مراجعه خواهد شد

ماده ۴ - نظر باینکه نمایندگان مختار بانك اعلام نمودند که امضاء آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات

این قرار نامه میدهد و آن اندازه که مطلب مربوط به بانك است اولیاء امور بانك محتاج نیستند آنرا بهیچ نوع تصویب دیگری برسانند لهذا این قرار نامه پس از تصویب مجلس شورای ملی که تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۹ باید انجام گیرد دارای اعتبار خواهد شد

رئیس - مذاکره در کلیات است آقای فرخی

فرخی - قرار نامه که بین دولت و بانك انگلیس در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۹ (یکمفر از نمایندگین - بنسبت) با امضاء رسیده است و عین آنرا جراند مهم پیوسته درج نموده اند و در جلسه گذشته که از طرف رئیس الوزراء تقدیم مجلس گردید برای تهیه مملکت ما شین بسی اهمیت و قبل همه گونه دقت است امروز این قرار نامه که یکی از مواد آن تصریحاً استقلال ما را تهدید مینماید برای مذاقه و مطالعه بمجلس شورای ملی آمده است (همهمه نمایندگین - اینطور نیست) البته بنده اظهار عقیده میکنم . نمایندگان محترم آنهاست که برای انجام وظیفه خود را مسئول ملت میدانند خوبست قدری تفکر و تأمل نمایند که جلسه امروز مجلس يك جلسه تاریخی و افکار عمومی منتظر و مترصد است که نمایندگین در این قضیه مهم حیاتی چطور اظهار نظر نموده و چگونه قضاوت خواهند نمود مسئله مهمی که امروز مجلس شورای ملی با آن مواجه و روبرو شده است از مسائل فوق العاده مهم و از حیث موضوع با ادامه کابینتولاسیون دوش بدوش است (افسر - اینطور نیست) از مسائل فوق العاده مهم است که از حیث موضوع با ادامه کابینتولاسیون دوش بدوش سیر می کند ... (همهمه نمایندگین - اینطور نیست - صدای زنگ) این عقیده بنده است بنده با دلایل صحبت می کنم شما هم با دلیل جوابم را بدهید (افسر - بسیار خوب) بر احدی پوشیده نیست که این امتیازی که بانك در دست بانك انگلیس (یکی از نمایندگین - بانك انگلیس نیست) مانده است از یادکارهای دوره خود سری دربار قدیم و بقیه رژیم

کابینتولاسیون است که تذکار آن هم اسباب کدورت و افسردگی خاطر هر ایرانی حساس خواهد بود قرار ندمه که امروز مورد مباحثه و محل توجه مجلس قرار گرفته است دارای موادی است که ماده اول آن استرداد حق اسکناس بدولت ایران است و در عوض دویست هزار لیره انگلیسی یا یک میلیون و دویست هزار تومان بیابانک داده میشود با اینکه سنگینی این پول هنگامت برای ملت بی چیز و زاری زحمتکش ایران حقیقه کمر شکن است (نمایندگان - خیر خیر اینطور نیست) زوار - این حرفها چیست ؟

فرخی - من میدانم علت را شب هم میدانید (همه نمایندگان - زنگ رئیس) معینا چون استقلال مالی خود را دوباره بدست میاوریم بهر سختی که باشد این سنگینی قابل تحمل است و بنده با آن مخالف نیستم ولی میپرسم آیا بانک از منافع و مداخل چهل و هشت ساله گذشته خود این قدرها راضی واقع نشده است که برای نوزده سال بقیه امتیاز خود این وجوه فوق العاده را تحمیل بملتی میکند که دهاقین آن باید با بیل زدن هزاری صد دینار پول آن را تدارک کنند ؟ آیا ملت شرافتمند و حساس انگلستان هنوز احساس نکرده است که با اوضاع کنونی دنیا باید با ممالک شرقی عادلانه تر از این معامله نمود فراموش نفرمائید ...

(همه نمایندگان - زوار - اینطور نیست افسردولت انگلیس چه ربطی دارد)

یکی از نمایندگان - موسسه است (صدای زنگ)

فرخی - حرف میزنم آقا شه هم بعد بفرمائید جواب را بدهید بسیار خوب دولت نیست من هم میدانم دولت نیست موسسه تجارتی است اگر دولت نیست پس برای چه شما با او با قوانین داخلی خودتان معامله میکنید ؟ يك مؤسسه تجارتی است مثل سایر مردم بسیار خوب من هم همین را میگویم ولی باید مطابق قوانین داخلی

باشد (دشتی - آقا امتیاز است) فراموش نمیکنم که بیست سال قبل در همین طهران از مظالم عمال تزاری دولت روس فقط بوظیف انگلیس ها امید وار بودیم ... (همه نمایندگان - اینطور نیست - زنگ رئیس) و امروز اتفاقاً قضیه بعکس شده است (همه - اینطور نیست) زوار - بیخود حرف میزنی تو ماهواری این حرف را این جا بزنی ما بیچ جا متکی نیستیم .

فرخی - اقای زوار مادر هوچی گری هم بر جنبه عالی سبقت داریم (خنده نمایندگان)

زوار - انجام مأموریت میکنی ؟

(صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

فرخی - عمده مقصود من قسمت چهارم از ماده دوم این قرار نامه است که میگوید دولت بانک اجازه میدهد که در معاملات خود املاک غیر منقول را بوثیقه قبول کند و حق برای وصول طلب خود املاک وثیقه گذاشته را اتیاع نماید ولی این مالکیت موقتی بوده و نباید از یکسال تجاوز نماید ملاحظه می فرمائید در آخر این ماده این جمله مهم و محمل است که میگوید این مالکیت موقتی است و نباید از یکسال تجاوز نماید بعقیده بنده این است پرتگاه عمیق این است خطر هولناک اینجا است که باید گفت از چاله بیرون نیامده میخواستیم بچاه بیفتیم ...

(همه نمایندگان - اینطور نیست)

زوار - این عقیده سرکار است

فرخی - بلی این عقیده خودم است عقیده سرکار را که نمیگویم (خنده نمایندگان) بنده خیلی خوشحال هستم که شما از مقام منشی گری آمدید اینجا برای اینکه مرا هو کشید خیلی خوشحالم که شما آمدید و کس دیگر نیامد .

زوار - آمدم که اصول هوچی گری را از بین ببرم (خنده نمایندگان)

فرخی - راجع باینماده مشنوم لازم است دقت نمایندگان محتره را بظهارات خودم معطوف دارم با اینکه بر طبق قانون و مقررات مصوبه هیئت دولت که اعلان و اعلام هم شده است اجانب حق تصرف املاک را ندارند و با اینکه از بدیهیات است که خریدن املاک ما را خارجی ها لطمه استقلالی دارد چگونه دولت قلم خود را از لغزش در امضای این قرار داد نگاهداری نکرده است ؟ فرضاً اگر یکی از متمول ترین این مملکت چندین میلیون از املاک خود را بوثیقه در بانک گذاشت و بعد نتوانست یا نخواست آن املاک را بیرون بیاورد و بانک هم پس از یکسال خواست بفروشد مشتری پیدا نشد چه خواهد کرد

یکی از نمایندگان - مزایده مزایده

(همه نمایندگان - صدای زنگ)

فرخی - بنده جواب می خواهم عرض دیگری ندارم ... وزیر عدلیه - آقا بان بگذارید بعد جواب عرض می کنم

فرخی - قبل از الغاء کابینتولاسیون بیم آن میرفت که مملکت ما مستعمره چند دولت اروپائی بشود ولی حالا خدای نخواستہ خودمان حق استعمار را با تشریفات قانونی میرویم تسلیم يك بانک خارجی بکنیم

(همه نمایندگان - اینطور نیست)

(صدای زنگ)

افسر - یادنفر نمایندده حق ندارد این حرفهای زننده را بزند . استعمار کدام است ؟

فرخی - عمل آقا عمل (افسر - اینطور نیست) حقیقه این ماده چه مفهومی دارد ؟ جواب را بدهید معنی آن جز این است که بانک انگلیس که سرمایه

معینا بھی دارد پارچه پارچه خاک مارا خریده و بعنوان تصرف نگاه دارد ؟ ... (همه نمایندگان - اینطور نیست . یکساله است) وزیر عدلیه - بعد توضیح میدهم

فرخی - بسیار خوب آقای وزیر جواب خواهند داد من بکنفر مخالفم و حرف میزنم شما هم همدتان موافقت و صحبت میکنید دولت قوی هم بالاخر دیشته بیان شما است . (طهرانی - فوراً بنده جواب میدهم) پس بگذارید مطالب خود را عرض کنم (افسر - وی کلمات زننده نگوئید) (صدای زنگ)

رئیس - التفات بفرمائید آقا افسر ...

افسر - آخر این حرف ها معنی ندارد خارج از موضوع است

رئیس - با وجودی که موافق تشخیص من این عبارت ها خارج از موضوع است (صحیح است) و مصلحت ما هم نیست معینا برای ارفاق بد اقلیت بگذارید تا آخر صحبت بکنند . (افسر - ولی بشرطی که منطقی حرف بزنند)

فرخی - راستی اگر با این فقر عمومی و تهی دستی مردم در مدت یکسال بانک سی میلیون فرضا ملک بدست آورد آیا دولت چه اقدامی خواهد نمود ؟ بعلاوه با داشتن این امتیاز نامه قانونی کی میتواند بیانک مزبور اعتراض کند ؟ آنوقت است که برای الغاء همین ماده دوم قرار نامه که امروز در نظر ما خیلی بی اهمیت است باید چندین میلیون دیگر هم داد و جشن هم گرفت که از قید اسارت خلاصی پیدا کرده ایم (نمایندگان - اینطور نیست) من معتقدم که همان ناصر الدین شاه کذا اگر میدانست برای دادن يك امتیاز کوچکی يك روز مملکت ایران دچار يك چنین مشقتی خواهد شد از امضای آن خود داری میکرد . نمایندگان محتره حالا که سر

نوشت و مقدرات ملت دست ما است خوبست که با مطالعه و دقت کار کرده و فرزندان آتیه مملکت را دچار اشکال و زحمت نکنیم از ماده دوم که گذشتیم بماده سوم میرسیم که آن هم بنظر من زائد الوصف غریب میآید عین ماده سوم قرائت میشود: ماده سوم - هر نوع اختلافی که بین دولت و بانک بروز کند و بین خودشان بخوشی حل نشود بتقاضای هر یک از طرفین بحکمیت مراجعه خواهد شد طرز حکمیت بشرح ذیل خواهد بود:

هریک از طرفین در ظرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز کند حکم خود را معین خواهد نمود طرفیکه در ظرف این مدت حکم خود را معین ننمود در حکم این خواهد بود که حکم طرف مقابل را بعنوان حکم واحد قبول کرده است.

حکمین بمابیه الاختلاف رسیدگی کرده و مکلف خواهند بود که آنرا در ظرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز کند رفع نمایند و در صورت عدم توافق نظر در ظرف مدت فوق حکمین در مدتی که از یک ماه نباید تجاوز کند برای تعیین حکم ثالثی موافقت خواهند کرد و حکم ثالث مزبور بحکمین ضمیمه شده محکمه حکمیت را تشکیل میدهند و محکمه مزبور با کثرت آراء حکم خواهد کرد در صورت عدم توافق نظر حکمین در مدت مذکور در فوق در باب حکم ثالث طرف مقدم از رئیس مؤسسه اقتصادی و مالی جامعه ملل تقاضا خواهد کرد که حکم ثالث را معین بکند و پس از تعیین او حکمیت بترتیب مذکور در فوق واقع خواهد شد حکم حکمین و یا محکمه حکمیت در صورت تشکیل آن که مرکب از حکم هیئ ثلاثه خواهد بود قطعی و غیر قابل استیناف و تجدید نظر خواهد بود در صورتیکه یکی از اشخاصیکه حکم معین شده اند نتواند برای حکمیت حاضر شود ثانیاً بر رئیس مؤسسه اقتصادی و مالی جامعه ملل برای تعیین عوض او مراجعه خواهد شد.

حالا دقت فرمائید مملکتی که تازه زنجیر اسارت کاپیتولاسیون را برای تمام خارجی ها پاره کرده است برای یک بانک اجنبی دیگر بدست خود چه قیوداتی تدارک دیده است.

و برای چند این طول و تفصیل ها را قائل شده است. مگر بانک انگلیس با سایر بانکها فرق دارد؛ مگر یکنفر خارجی نباید مطابق قوانین داخلی در مملکت ما قطع دعاوی کند. اگر اظهارات من منطقی و راست است این طول و تفصیل یعنی چه؟ اگر من نکند فهم هستم و نمی فهمم خوبست مطلب را بمن حالی کنید باری زیاد تصدیق ندهم من چون از قسمت چهار ماده دوم این قرار دمه بوی اسارت استشمام میکنم و ماده ۳ را هم منفی و مخالف به الغاء کاپیتولاسیون میدانم اینست که بنده مسئولیتی که در پیشگاه مقدس ملت (من در پیشگاه ملت مسئولم) دارم اظهار میکنم که با ماده اول اگر چه تحمیل مالی گمراهی بملت ناتوان ایران شده است موافق و با ماده ۲ و ۳ بکلی مخالف هستم و در خاتمه بهیئت محترم دولت تذکر میدهم که در نوشتجات خود رعایت این نکته را فرمائید که (باید بتصویب برسد) لفظ آمرانه است و مجلس حقدارد بدولت لفظ آمرانه ادا کند نه دولت به مجلس

وزیر عدلیه - در بیاناتی که نماینده محترم فرمودند یکی دو کلمه عبرتی بود که البته شاید خیلی بهتر بود که ذکر میشد و اسباب تأثر و تأسف فراهم نمیکرد (صحیح است) یکی مسئله تهدید استقلال که در ابتدا فرمودند و یکی هم راجع بمحاکمات اما راجع بستعمار خود ایشان میدانند و امیدوار هستم که همه واقعا این عقیده را داشته باشیم و بدانیم که کار مملکت ایران از آن مراحل که این صحبتها درش بشود گذشته است (صحیح است) از حد استعمار و تهدید استقلال حقیقه گذشته است (صحیح است) و یک مملکتی است که حقیقه خود را میتواند حفظ کند (صحیح است) پس ما باید مثل ملت زنده صحبت کنیم (صحیح است) حالا برسم بعراض آقا و بیانات ایشان یکی در قسمتی بود که اشاره کردند ولی اظهار مخالفت نکردند و حتی در آخر هم گفتند که با آن قسمت مخالفتی نیست و آن مسئله دوست هزار لیره است اگر

اینکه (یک نفر از نمایندگان - موافقت هم داشتند) این مذاکره هیچ نشده بود بنده هم هیچ اظهاری در این قسمت بخصوص نمیکرده ولی حالا به اینکه اظهار مخالفتی نشده است ولی چون عبارت ذکر شده است بایستی تذکر بدهم آقایان را که همین ملت و همین مردم به بینند با این که بانک بموجب امتیاز نامدانش حق داشت که یک میزان زیادی بیش از آنچه که ذخیره طلا دارد پول اسکناس بدهد و بعبارت آخری در حقیقت یک مقداری پول مردم را قرض کرده باشد بدون هیچ نفع و تزیلی که ۶۰۰ هزار لیره در مقابلش ضرر می کنیم (ما یعنی مردم) عبارت از این است که پول من را دیگر بیخود نمیدهم دست دیگران (صحیح است) و بعقیده بنده دیگر بیخود نمی آیم یک اسکناسی را قبول کنیم که پشت سرش پولی نیست چون بانک حقدارد بدون اینکه ذخیره داشته باشد اسکناس نگهدارد این اسکناس که بنده در جیبم دارم یک مقدارش بدون اینست که پول پشت سرش بپاوی بانک باشد پس بنده اعتبار کرده و بعبارت دیگر بنده قرض داده بدون تزییل و بدون منفعت از این راه البته میتوان گفت این مردم یک ضرری می کرده اند و ما اگر بیائیم آن منفعتی را که بانک از این راه میبرده است و ضرری که ما از این راه میگردیم آن مبلغ را با این مبلغ که میدهم مقایسه کنیم خواهد دید که یک منفعت بزرگی خواهیم برد (صحیح است) البته همه تصدیق خواهند داشت (صحیح است) که واقعا ارزش دارد و خیلی معامله خوبی است و با اینهم که آقا مخالفتی نکردند و دیگر بیش از این در این موضوع عرضی نمی دانم حالا میرسیم بدو موضوعی که ایشان توجه داشتند یکی راجع بماده مربوط بحق وثیقه گرفتن ارضی و بعد مخصوصاً در قسمت اینکه بعد از یکسال چه خواهد شد چون حرف مهمشان همین بود فرمودند شما می آئید حق میدهد به بانک که ملکی را به وثیقه قبول کند و بعد از سر آمدن مدت اگر پول نرسید بتواند بفروشد

مخصوصاً اگر در فروش یا خریدار پیدا نکرد یا مصلحت ندید که آن ساعت بفروشد حالا مالک میشود و حق ملکت به او داده آید بعدش چه خواهد شد. نگرانی که اظهار کردند این است واقعا هم اگر راه حل نداشت آنوقت کاملاً نگرانی نخب بود کاملاً هم نخب بود اگر راه حل نبود یا مثلاً اگر ما می آمدیم و بیت حق مالکیت ظاهراً موقت و بضمن دائم به او میدادیم این بیت نکته خیلی قابل ملاحظه و بیت مسئله مهمی بود ولو اینکه آن نگرانی را بصورتی که ایشان میفرمودند نداشتیم باشیم ولو اینکه تصور نکنیم که خیلی این مطلب باعث این خواهد شد که مملکت استعماری خواهد شد (از بس این جمله جمله ناگواری است (صحیح است) اصلاً بنده نمیخواستم ذکرش را هم کرده باشم) نگرانی جا داشت ولی ما روی آن مسائل و روی بیت دلالت و اصول کلی ما آمده ایم و محدود کرده ایم تبعیخ خرج را بداشتن املاک و اختصاصی هم بمملکت ما ندارد در ملک دیگر هم این حق را میدهند ولی محدود (صحیح است) ندانم که ظاهراً آمده باشیم وثیقه و بعد بعنوان اینکه ملک موقه در دست از باشد بگویی او ملک است خیر اگر ما آمده بودیم و این اجازه را میدادیم که مال او باشد نگرانی جا داشت ولی از حسن اتفاق اصلاً اینطور نیست (نمایندگان - صحیح است) ما این جا آمده ایم و بیانات این حق را داده ایم که پس از گذشتن یک مدتی از وثیقه بانک بتواند خودش در یک مدت محدودی این را بعنوان مالکانه داشته باشد چرا؟ برای اینکه اگر این حق را نداشت و اگر نمیتوانست این املاک را نگهدارد و اشخاص چون می دانستند وقتی که مدت وثیقه تمام شد بانک مجبور خواهد بود که بالاخره این را بفروشد و فرصت زیادی هم برای بانک نباشد آنوقت ملک بیک صورتی در می آید که از برای آن ایرانی که ملک خود را بوثیقه داده بود اسباب ضرر می شد (صحیح است) بنده فرض فرمائید یک ملک که ده هزار تومان قیمت دارد

بسه هزار تومان وثیقه دادم پس از آنکه مدت سر می آید بانک که خودش نمیتواند این را قیمت کند و بردارد و مجبور است فوری بمزایده بگذارد ده نفر ، پانزده نفر بیست نفر عده زیادی که میتوانند ملک را بخردند می آیند و میدهند و بانک هم در هر صورت مجبور است که این ملک را بفروشد و شاید در این مزایده بیک قیمتی آن اشخاص ملک را قبول کنند که در نتیجه آن ایرانی که آمده بود آن ملک را داده بود او بیپول خودش نرسد یا شاید بانک هم بسه هزار تومان خودش نرسد و ضرری متوجه شود از اینکه در رأس مدت بفروشد پس ما لازم دانستیم یک فرجه بدهیم که پس از رسیدن مدت بانک فرصت و مجال این را تا یک سال داشته باشد که شاید بتواند این معامله خودش را بیک ایرانی انتقال بدهد بعبارت دیگر بتواند بفروشد حالا البته اینجا باید بانک حساب خودش را از اول بکند و بداند که اگر وثیقه مدتش گذشت و اگر کسی دیگر پیدا نشد که بیاید و پول او را بدهد و او مجبور است بفروشد چون مالکیت او موقتی است و آن مراعات اولیه را که ما در ابتدا با او کردیم دیگر نمیکنیم یعنی چه؟ یعنی اگر یک سال گذشت آنرا ما مطابق یک مقررات مملکتی بمزایده خواهیم گذاشت و پول آنرا میدهیم قرینه هم در اینجا دارد اگر آقایان مراجعه بقانون تابعیت کنند در آنجا قرینه ذکر شده است در آنجا می بینید گفته میشود در ماده ۱۴ قانون تابعیت : هر تبعه ایران که بدون رعایت مقررات تابعیت خارجی تحصیل کند تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته میشود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقول او و نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن باو داده خواهد شد همینطور در ماده ۱۱ میگوید : هرگه زن دارای اموال غیر منقولی پیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جائز است بوده و یا بعداً برث اموال غیر

منقولی پیش از آن حد باو برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء اتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور بانظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت با آنها داده خواهد شد. اینها مواردی است که کلیتاً ما در قوانینمان داریم و اصل کلی هم این است که وقتی شما یک مقرراتی در قوانین مان دارید و اصل این است که فلان مالکیت موقتی است مثلاً یا فلان ترتیب در مدت معینی بایستی عمل شود اگر نفروخت باید شما مطابق تمام مقررات و اصول کلیه مملکت خودتان را حل کنید (صحیح است) ما اینجا اجازه میدهیم یکسال هم فرجه میدهیم که بتواند بفروشد و اگر بنا شد اینکار را نکرد البته آن ملک بمزایده گذارده شده و پولش را بهش خواهند داد پس بنا براین این نگرانی آقا مورد ندارد که می فرمایند یک املاکی را در دست خودش نگاه میدارد و من هیچ این نگرانی آقا را اظهار نمی کنم که او دارای یک اموال زیادی شد نه اینست که ما با خارجی ها بد باشیم یا با بانک بد هستیم خیر همه مان با هم خوب هستیم فقط چیزی که هست ما از برای خودمان مصالح خودمان را اینطور تشخیص میدهیم که از برای ما مصالح ما اینطور حکم میکند که نباید اتباع خارجی مالکیشان از یک حدود معینی تجاوز کنند اینجا هم که به بانک این حقرا دادیم که از این حق تجاوز کنند تا یکسال است بعد از یکسال هم نخواهیم گذاشت مالک باشد و مطابق قوانین و اصول و مقررات عمومی خودمان بمزایده خواهیم گذاشت پس گمان می کنم در این قسمت جای هیچ نگرانی نیست و محتاج اینهم نیستیم که در این قسمت بحث مفصلی بکنیم برویم سر یک قسمت دیگر که نماینده محترم بان اشاره فرمودند که آن ماده ۴ است راجع بمسئله حکمیت در اینجا گفته شد که بانک یک مؤسسه است خارجی و ما آمده ایم

اینجا بر خلاف الغاء کاپیتولاسیون یک عملی میکنیم که دوش بدوش با کاپیتولاسیون میروند. چرا بچه دلیل؟ اینکه ما قرار گذاشته ایم که اگر اختلافی بین ما و بانک شد حکمیت مراجعه شود این یک قدری بی اعتنایی میفرمائید برای اینکه نه تنها در قرار داد بانک بلکه در غالب اتمیه بزازت دیگری که ما داده ایم در اینقراری که بسته ایم بعلاوه مطابق قوانین داخلی خودمان ما میگوئیم اگر اختلافی بین متعامان خواه داخله خواه خارجه حقدارند که در قرار دادی که باهم میمانند قرار بگذارند که رفع اختلاف آنها بطریق حکمیت باشد چه اشکالی دارد که ما با بانک هرطور که نظر داریم دارد قضیه را بحکمیت مراجعه کنیم چه ضرری دارد ما میگوئیم اگر بین دولت ایران و بانک هر نوع اختلافی بروز کند و بین خودشان بخوشی حل نشود بتقاضای هر یک از طرفین بحکمیت مراجعه شود ما آمده ایم و اینکار را کرده ایم عیب این چیست که خوب در امتیازات سابقه یک سوابقی بوده است که بالاخره مرا با قدری در وقتها نگران کرده است و بدوقتی کاپیتولاسیونی بود که ما از آن قضیه می ترسیدیم ولی بالاخره بخدمت آن مسائل گذشت و اینجور هم نیست که انسان اینقدر بچه ترس شده در خیلی از ممالک دنیا هم که هیچ وقت درس کاپیتولاسیون نبوده است و هیچ وقت این چیزها نبوده است در قرار دادهاشان در امتیازاتشان این مسئله را پیش بینی میکنند اگر بنا شد فلان ترتیب حکمیت مسئله حل شود این کجایش عیب دارد چرا باید این مسئله را آورد و یک مسئله خطرناکی تلقی کرد و آنوقت اگر چه این عبارت را من حالا نمی خواهم بگویم چرا برای اینکه یک قدری شبیه بعبارت بچه کانه است کلمه منحوس کاپیتولاسیون را باز تکرار کنم؟ برای چه ما آمدیم یک قرار دادی بانک بانکی میخواهیم به بندیم؟ با این بانک گفتیم که شما بحالا حق اسکناس داشتید و از برای مملکت این مسئله مناسب نبود حال اگر میخواهید با ما درست کار بکنید و میخواهید با ما

خوب راه بروید بیایید و این چیزی را که اسباب زحمت ما است از بین ببریم آمدیم و قرار گذاشتیم حق اسکناس بخودمان باشد. آمدیم و دیدیم چون بانک ضرری نمیکرد است نظر بان امتیازی که داشته است و ما هم نفی میبریم برای اینکه حقی را بخوده مان برمی گردانیم فلان مقدار در این قرار نامه مقرر شد باو بدهند و بعد از برای رفع هرگونه اختلافی که راجع بین قرار نامه اتفاق بیفتد و بانک سوء تفهیمی هرگاه حاصل شود آمدیم و طرز حکمیت را قرار گذاشتیم و از حالا این راه حل را پیش بینی کردیم. ماده این را هم بانک ترتیب خیلی صحیح و صریح و روشن یک ترتیب خوبی مقرر کردیم که ترتیب نباشد نه مثل بعضی از قراردادهای سابق که میگفت حکمیت بشود و عنوان حکمیت بود ولی معلوم نبود روی چه صلی واقع خواهد شد ولی ما در این قرار نامه همه چیزها را معین کردیم که حضور حل شود و بنده تصور می کنم چون ایشان صحبت مفصلی نکردند بنده هم پیش از این صحبت می کردم و بانک مسائلی را اظهار فرمودند که روی هر فرقه بنده خیلی مهتم بعد از توضیحی که داده شاید خود ایشان هم فرج شده باشند (نمایندگان - صحیح است) برای اینکه نگرانی ایشان را اینجا خلاصه میکنم : داشتن مدت بود برای یک مدت متمدنی عرض کرده که آن دائمی نیست و موقت است و راه حلش هم مقررات و قوانین داخلی مملکت است. راجع بقسمت حکمیت هم بنده تصور نمیکنم جای هیچ نگرانی باشد. ما میآئیم سر آن تذکر آخری که بدولت دادند در قسمت (بید تصویب شود) اینجا گمان میکنم سوء تفاهمی شده باشد مقصود ما این نیست که باید مجلس تصویب کند خیر بلکه قرارداد ما بانک این است و مثل این عبارتی است که بنده میخواهم توضیح بدهم کدین از برای یک مدتی است چون نمایندگان بانک اختیار داشتند و امضا کردند و این ظرف اگر متعهد نمیشد چه میشد او که از طرف خودش امضا کرده است و پس از امضاء متعهد باجرا است آمده اند برای این

قسمت يك مدتی را معین کرده اند که اگر تا فلان تاریخ تصویب نشد این بجای خودش کان لم یکن است مقصود باید این است که تا آنوقت بتصویب خواهد رسید. باین معنی که اگر این کار را نکردیم موضوع از بین خواهد رفت نه این است که دولت امضا کرده است و تعهد کرده است که من امضاء کرده و فلان روز هم مجلس شورای ملی باید تصویب کند البته هیچوقت ممکن نبود که يك همچو کله را بردارند بنویسند و نخواهند نوشت.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است طهرانی - بنده مخالفم تا کفایت مذاکرات. چون يك سمواتی در لفظ نماینده محترم بود بنده با کفایت مذاکرات مخالف هستم و اجازه میخواهم از آقایان که بمن اجازه بدهند عرایض خود را عرض کنم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. در ماده بفرمائید.

رئیس - تردید شده است رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم بمرور در شور مواد موافقتی که با ورود در مواد موافقت قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود: ماده ۱ - بانك از حق صدور اسکناس که منحصرأ از طرف دولت باو واگذار شده بود صرف نظر میکند مسلم است که بانك عهده دار است که در تحت نظارت کمیسر عالی دولت و تا موعدی که باید بین دولت و بانك همین شود و بی نهایت دیرتر از بیستم ژوئن ۱۹۳۱ (آخر خرداد ۱۳۱۰) باشد وجه کلیه اسکناسهایی را که برار تبدیل بانك مسترد نشده باشد بدولت خواهد پرداخت.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی متاثره از اینکه در اثر

کردن املاك است آنها در نظر بنده خیلی گران بود و عقیده ام این بود که خیلی برای ما گران تمام خواهد شد ولی بعد از توضیحات ایشان يك قدری رفع نگرانی بنده شد ولی حالا در این زمینه عرض می کنم اگر بنا شد که يك میلیون دو میلیون : ده میلیون املاکی بهای بانك گرو گذاشتند و وثیقه گذاشته شد و بانك متذمعی او پول داد سر یکسال اگر بانك مات شد و خواستند بفروشند و مشتری پیدا نشد آن وقت چه صورتی پیدا خواهد کرد؟ این را بنده چون ملتفت نشده خیلی معذرت میخواهم اگر هیچ مشتری پیدا نشد چه خواهند کرد.

بعضی از نمایندگان - حراج میکنند.

فیروز آبادی - این يك مسئله است که خیلی گران بنظر من می آمد و يك قدری رفع نگرانی شدید بشود چون ملتفت نشده بودم توضیح خواستم و در قسمت های دیگر هم اشکالی پیدا کردم توضیح میخواهم

رئیس - آقای دشتی موافقتند؟ ... (حاضر نبودند)

آقای طاهری

دکتر طاهری - اگر چه آقای فیروز آبادی مخالفتی ندارند که بنده جوابی عرض کنم و يك اشارتی فرمودند راجع به بعضی مواد که در موقع خودش اول آقای وزیر عدلیه جواب دادند و بعد چون مذاکره شد عرض میکنم بنده بر خلاف يك مذاکرانی که قبلا شد یکی از موفقیتهای مشعشع دولت و تقلیل و افلا تضعیف آن قیود و سلاسی هست که قبلا بسته شده بود بدست و پنی مالی مملکت بلکه استقلال مملکت. این مسئله قابل انکار نیست که يك امتیازی بوده است که تا بحال تمام موادش معمول به بوده حالا که دولت میخواهد در سایه توجهات اعلیحضرت همایونی موفق بیک اصلاحاتی بشود قدم بقدم باستی که آن سنگها از پیش پا برداشته شود و الحمد لله مشغول هم هستیم ما که بانك

می را ب آن شوق و شغف این جا رأی دادیم و تأسیس شد و حالا که کمیسیون تقبیش اسعار تأسیس شد برای همان مسئله اقتصادی که مورد توجه بوده است انحصار ضعیف اسکناس بیانت و عده اجازه اینکه دولت خودش یا بانك دیگری نتواند اسکناس ضعیف کند که این امتیاز چهار سال قبل داده شده است این یکی از موانع بزرگی بود که ما را نمیگذاشت موفق شویم بمشغول خودمان و دولت حالا موفق شده است این را از زمین بردارد در آزاد بکند قسمت ملی مملکت را از این قید البته چون در مقابل يك تعهداتی که دولت کرده بود بانك دولتی قبلاً و در مشروطیت هم بر طبق يك مقرراتی امتیازاتی که قبلاً از مشروطه داده شده است این امتیاز هم قبول شده است حالا اگر بخواهند از بانك تعهد غلط که قبلاً شده است خودشان را خلاص بکنند برای آن که نمیشود باستی البته يك مبلغی بان کسی که معامله میکند بدهند معامله بتراضی است و اگر چند چینه سختی بکنند آده مجبور میشود زیادتیر هم بدهد این قسمت بعقیده بنده یکی از موفقیتهای هی بزرگ دولت است و امیدوار هستم برای قسمت ملی و اقتصادی مملکت بان اثرات و فوائد بیشماری داشته باشد. اصل این لایحه که روی الغه امتیاز اسکناس است بهترین موفقیتهایی است برای مملکت و آن وعده هائیکه در خارج داده شده است و توافق هائیکه شده است که بانك شاهنشاهی بیشتر مساعدت کند بانك ملی و در امور اقتصادی دیگر سایر موادش بانك چیزهایی نیست فقط موضوع وثیقه گرفتن املاك است که بتواند بانك کار های مالی بکند که آنها هم موجب توسعه کار های اقتصادی خواهد شد و با این توضیحاتیکه دادند هیچ محظوری هم تصور نمیشود. اما در مبحث حکمیت هم همان چیزی بوده است که بوده است منتهی بانك وضع خیلی افتضاح آوری که اگر چند چینه مراجعه بکنید در کمیسیون بودجه هم دیده شد و در کمیسیون اقتصاد ملی هم مراجعه شد که يك حکمیت افتضاح آوری بود و حالا آن حکمیت آبرومندانه شده است قانون حکمیت را هم

که ما خودمان گذرانیدیم و در تمام قراردادهای و کنتراتها که می بندیم در آخرش اگر نظر داشته باشید نوشتیم که رفع اختلافات بحکمیت میشود پس بعقیده بنده در ماده اول که دیگر اصلاً جای حرف نیست و بهترین مواد است که بانک از حق صدور اسکناس که از طرف دولت باو واگذار شده بود صرف نظر میکنند و یکسان دیگر هم باید اسکناس ها را جمع کنند و پولش را بپردازند و هر قدر هم که ماند پولش را باید بدولت بپردازند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ یک توضیحی می خواهم.

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت؟

شریعت زاده - بلی.

رئیس - آقای امین موافقت؟

حاج میرزا حبیب الله امین - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب نوبه خود آقا است. آقا سید یعقوب - بنده برخلاف های وهوی نماینده محترم هم از آقای فرخی شکر دارم و هم از آقای وزیر عدلیه بواسطه اینکه آقای فرخی شرح دادند و آقای وزیر عدلیه توضیحی دادند و یک نگرانیهایی از برای ما برداشته شد و این يك خوش اقبالی بود که آقای وزیر عدلیه بودند و باین بیان عالی آن اشکالاتی که برای ما بود در نظر ما رفع شد این است که بنده اولاً خودم را مخالف قرار داده عنوان مخالفت ندادم بعنوان مخالفت میخواهم يك توضیحی بخواهم توضیح این است که اولاً تصدیق میفرمائید سه پول نقره مدتی است تنزل کرده است و در واقع يك قران سه عباسی شده است یا پانزده شاهی (نمیخواهم تنزل بدهم) این اسکناس موقعی رواج شده است که این پول نقره يك قران نهمصد دینار باین قران بود حالا

اسکناس را چه چیز میگویند؟ اسکناس عبارت از يك ورقه تعهدی است که بانک چاپ کرده و منتشر کرده است و میگویند که این اسکناس را هر وقت يك کسی آید در همین اندازه مستحق برش نوشته شده است پول در این قران را بتوان بپردازد و چون است وقتی که آوردند يك تومان میدهد معنی آنست که این است خراب آن يك تومانی پول در پنج قران بیاوردت در معاملات بین الناس بزرگتر میگویند و حالا مستحق در معاملات بین الناس بزرگتر میگویند است حالا باید بگویند آنوقت اگر بدولت نقره میدادند حالا بصورت حالا بدهید حالا ما يك يك تومانی روشن تر عرض می کنم میگویند مثلاً سه تومان پنج تومان میتوانستیم بدهیم و يك تیره بگیریم (دلار عظیم ... چهار تومان) حالا چون پول ... این آمده است برش تومانی باید بدهیم يك تیره بگیریم پس حالا باید يك تومان که میبرد پس بانک دو تومانی قران باید بدهد ... این معنی ندارد تعهد بدولت روی اسکناس است که هر اسکناس در برد آنجا همان مستحق روی آن پول در پنج نوشته شده است آن را میدهد يك تومان نوشته شده بگویند خواهند داد امروز هم در البته میدانید معنی که با مردم مینداز روی همین ترتیب است امروز هم که میخواهد اسکناسهایش را جمع کند روی همان معامله وقت خواهد برد و گمان میکنم آقای آقا سید یعقوب وقتی که تشریف آوردند اینجا واقعا برای این بود که اظهار خوشوقتی خودشان و نیت خودشان را که بر آورده شده است و در اوائل مشروطیت داشتند و امروز جنبه عملی گرفتند است بکنند و آن خوشوقتی را اظهار بکنند و برای اینکه مخالفتی هم کرده باشند لابد شدند این مطالب را فرمودند

آقا سید یعقوب - نه نه توضیح میخواستم.

رئیس - ماده دوم قرائت میشود :

ماده ۲ - در نتیجه ماده قبل :

اولاً پس از اینکه بانک تأدیه قیمت اسکناسهای صادره را در تحت نظارت کمیسیون عالی دولت انجام داد دولت از حقی که دارد که بتوسط کمیسیون عالی نظارت بر بانک اجرای تفتیش حاصل نمایند صرف نظر میکنند. شعب کمیسیون عالی منحل شده و هیئتی که بانک بعنوان مستحق حقوق مشرانیه بدولت تأدیه مینمود دیگر بر عهده بانک نخواهد بود

ثانیاً - از تاریخ اعتبار یافتن این ضمیمه حق الاعتزاز بانک در عبارت از صدی شش عایدات خاص سلطنتیه بود و بر طبق شرایط اعتبار بانک باید بدولت پرداخت شود از عهده بانک ساقط خواهد شد

ثالثاً - برای جریان اوراق بانک از حق صدور اسکناس دولت در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۳۱ م منع در دست هزار تیره پول نقد در لندن به بانک تأدیه خواهد نمود

رابعاً - دولت بدولت اجازه میدهد در معاملات خود اسکناس غیر منقول را بوثیقه قبول کند و حتی برای وصول طلب خود اسکناس وثیقه گذارده شده را بوسع تملک بری این ملکیت عوققی بوده در تملک از پاساژ تجرور نماید

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - موافقم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده حقیقتاً باز هم عرض میکنم مخالفتم بعنوان خواستن توضیح است که میخواهم عرض کنم مدتی است که بانک اسکناس چاپ کرده است از چهل و هشت سال باینطرف ...

بعضی از نمایندگان - چهل و یکسال است

آقا سید یعقوب - خوب مواظب هستید مخصوصاً آقای

افسر که از بنده غلط صادر شود و ایراد بگیرد (خنده
 نمایندگن) البته انسان چیز الخدم است کلمه انسان از
 سهو و نسیان است (اورنگ - از انس است) حالا که
 شما انظم العمه هستید بنده عرضی ندارم عرض کنم از
 وقتی که دولت اسکندس را چپ کرده است یکمرتبه اسکندس
 تغییر کرد و صورت دیگری واقع شد خواستیم این را
 سکون کنی که حالا که دولت میخواهد اسکندس را چپ
 کند این اسکندس جدید است یا آن اسکندس قدیم است
 وزیر عدلیه - در مورد آنجا که در مورد اسکندس
 آقایان محترم به موجب قانونی که در این باب
 البته هست و مشروط خواهد بود از روی آن اسکندس
 میشوند امره پنج و یک و دو یعنی یک توطئه یعنی یک
 آدی وزیر عدلیه که بقایای در این زمینها برای من
 لازم است آنچه عرض کنم بفرم در مجلس این توطیحات
 واقع میشود زمینها را برای اجرای این توطیحاتی
 که آقای وزیر عدلیه کرده اند برای نه پندگن غیبی مید
 است و آن چیزیکه طرفداران آن میکنند همین توطیحات
 آقای وزیر عدلیه است این توطیحات را من شروع میکنم
 مسئله است که آن توطیحات را در کارهای این اسکندس
 ملو و کیسیون بودجه فرمودند و حالا بنده از آن مسئله
 قدرت میخواهم در دست بگیرم اجازه میدهند که در جلسات
 خود اسکندس را قبول یا بولند قبول کنند و جنس برای
 وصول طلب خود امثال بولند بگزارند شده را اکتیاف
 نماید ولی آن عاقلان عاقلی بوده و نباید از یکسال
 تجاوز کند پس حسب قانون وقتی که قانون حق باو داد
 که دولت ما بگزارند این توطیحات شده است پس
 عاقلان عاقلی که در یکسال بولند بگزارند اسکندس
 دو سال در هر دو سال وزیر رقتی مالکیت آمد باید
 پس در هر دو سال بگزارند بولند بگزارند اسکندس
 پس این مالکیت را بولند بگزارند بولند بگزارند
 را بولند بگزارند بولند بگزارند بولند بگزارند
 قبول کنیم در این توطیحات برای اینکه مالکیت

ما مالکیت فلاحتی است و مالکین ما و زارعین ما
 قرین میکنند و مالکیت ما آباد میشود و بنده خیلی خوشنود
 هستم از این مقدمه دولت و این وقت فلاحتی است
 که فلاحت و زراعت ما را ترقی میدهد حالا که منبسط
 واقع شد و مطابق این قانون حق اکتیاف به بانک داده
 میشود بعد از آنکه او اکتیاف کرد سلب مالکیت او را
 مطابق این قانون نمیتوانیم بکنیم مگر اینکه توضیحی
 در اینجا بفرمائید - مسئله واضح شود ولی اساسا
 بنده عرض میکنم که مطابق روح این ماده تاسیس
 بانک فلاحتی میشود در این ملک و بانک فلاحتی
 فلاحتی یعنی میشود ولی توضیح ندهید این نگرانی
 رفع نمیشود
 وزیر عدلیه - توضیحی که راجع به قسمت اسکندس خواسته
 بودند که فرمودند بانک در این چند سال مقدور زیادی
 اسکندس چپ کرده است و حالا راجع به کدام قسمت
 میخواهد جمع کنند بنده عرض میکنم البته این
 توضیح واضحی است برای اینکه باسقی هرچه اسکندس
 مردم میبرند پولش را بنده و بلاخره تدبیر کنند مال
 هر طرفی باشد و از طرف دیگر پیش بینی آن شده
 است که اگر تا فلان مدت نیارند باید پولش را بدولت
 بدهد و از دفتر هم معلوم است که چقدر اسکندس
 چپ کرده است اما راجع بقسمت حق مالکیت که
 میخواهد چطور میشود که در یکسال مالک میشود
 حق موقت نظیر و امثال بسیار دارد در دنیا که شما
 در یک مدت معینی صاحب آن حق هستید و باید
 شرایطی ما میگوئیم که ایشان صاحب این املاک
 هستند برای یک مدت معینی و پس از آنکه آن مدت
 گذشت سلب میشود باید که قبل از آن مدت او بحق
 مالکیت خودش خودش عمل کنند و الا ما مطابق
 مقررات خودمان میبایم آنوقت مالک را بر میداریم
 انتقال میدهیم (اورنگ - طرف هم قبول کرده است)
 و طرف هم این مسئله را از اول قبول کرده است و
 قراری است که گذاشته شده و مجلس هم رأی میدهد

مالکایی نیست
 یعنی از زمینداران - مذاکرات کافی است
 رئیس - ماده سه فرقت میشود :
 ماده سه - هر نوع اختلافی که بین دولت و بانک
 بروز کنند و بین خودشان بخواهند حل نمود
 بقصدی هر یک از طرفین به حکامیت مراجعه خواهد شد
 مگر حکامیت را در این موارد خواهد بود
 هر یک از طرفین در طرف مدعی که از طرف مدعی
 که در این مورد مدعیان مدعی خواهد نمود طرفین
 در کار این دولت مدعی خود را همین توطیحات در اسکندس
 این توطیحات بود که حکام طرف حق را بطلبند حکام
 را در این دولت
 حکامین در این اختلاف رسیدگی کرده و معائنات خواهند
 بود که اگر در طرف مدعی که از طرف مدعی که در این
 کنند رفع توطیحات در صورت عدم توافقی نظر در طرف
 مدعی توطیحات در مدتی که از یک ماه بزرگ توطیحات
 در این توطیحات حکام توطیحات خواهند کرد و
 حکامین در این حکامین شمیما شده معائنات حکامیت
 را بگزارند و حکام مزبور با شرکت آراء حکام
 خواهد کرد
 در صورت عدم توافقی نظر حکامین در مدت مدتی
 در وقت در وقت حکام شک طرف مقدم از رئیس موسسه
 اقتصادی در مالی جمعه ملل تقاضا خواهد کرد که حکام
 شک را معین بکنند و پس از تعیین او حکامیت بترتیب
 مدعیان در فوق واقع خواهد شد حکام حکامین و حکام
 حکامین در صورت تشکیل آن که مرکب از حکامین
 ناله خواهد بود قطعی و غیر قابل استیناف و تجدید
 نظر خواهد بود
 در صورتیکه یکی از اشخاصیکه حکام معین شده اند
 نتواند برای حکامیت حاضر شود یا بر رئیس موسسه اقتصادی
 و مالی جمعه ملل برای تعیین عدول او مراجعه
 خواهد شد

رئیس - آقای اورنگ بخوانید
 اورنگ - خیر توضیحی میخواهم
 بانفر از امر این است - معائنات
 اورنگ - اما معائنات در این است
 رئیس - بخوانید
 اورنگ - عرض شماست که این است که در این
 در این عیون این است که این است که این است که این است
 را اصلاح کرد این توضیح است که این است که این است
 اصلاح شد که عیون این است که این است که این است
 برای توضیح در این است که این است که این است
 مستقل است برای موافقی برای برای شکایت ولی
 این وسط است موافقی هم پیدا میشود که این است که این است
 راجع بیت ماده ششج در این است که این است که این است
 بین موافق است آنچه در آن است که این است که این است
 خودش وارد میشود برای عیون بلکه یک چیز را
 توضیح خواهند و توضیح آنرا خواهد بود بنده در
 ماده ۳ است توضیحی را یعنی در توضیح را معائنات و البته
 با تشریف داشتن آقای وزیر عدلیه توضیحی که ایشان میکنند
 هم قانع شده اند خواهد بود و در توضیح دانند خود ماده
 آنرا اهمی داشته باشد ولی قبلا بگزارند از این
 موقع بیت استفاده کرده بشم و یک شرح مختصری را
 هم کرده باشم بنور نظر و آن این است که طرز
 فکرها البته مختلف است و میدانی نبود عقاید آنها شاید
 مختلف باشد بطرز فکری که من دارم و میدانی که برای
 اخذ نتیجه و اخذ عقیده دارم امروز را یک روز عیدی
 برای خودم و مدت ایران فرزند میکنم و قطع دارم که
 امروز از نقطه نظر سعادت و سیادت و اقتصاد برای ما
 یک روز میمون و میدانی است ولی وقت و شیدانی دارد
 که باید بگزارند بگزارند (افسس - به این توطیحات هم
 نیست) (فرزند آردی - افرات و تفریط است) بهر
 صورت از این مقدمه میگذرد بجهت اینکه شرح این

مقدمه را که بنده خواسته عرض کنم که و علیهمش را حلاجی کرده اند و گفته اند بنا بر این مقدمه از این مقدمه میگذرد . اما توضیحی که در این مقدمه در دو جایش میخواهم اولش این است ثبات داره ~~حکومت~~ عطف افکاری بفرمایند توجه بفرمایند در قسمت اول این ماده راجع بحکومت ذکر میشود که هر یک از طرفین در تصرف مدتی که از سه ماه فرود تیروز باشد حکام خود را معین خواهند نمود بنا بر این مقدمه فوق که در نوع اختلافی در بین دولت و بانک بروز هستند و بین خودشان بخوشی حل نشود بقتضای عریض از طرفین به حکمت مراجعه خواهد شد و توضیح مختصر اولیه راجع به این قسمت این است که آن این حکمت شامل این ضمیمه معین است یا شامل تمام امتیاز اصل امتیاز و ضمایم اربعه آن است ؟ این ضمیمه ضمیمه پنجمی این امتیاز است این حکمت عطف می شود بتمام آن یا خیر عطف می شود باین ضمیمه پنج ؟ این توضیح اول است . در توضیح ثانی عرضم این است ~~حکومت~~ موافق ذیل ماده ده اصل امتیاز نامه یک قرار ارجاع بحکمیته دارد در اختلافات حاصله بین مؤسسه بانک و افراد مردم که آنها یک خزری دارد و در ضمن این ماده و قطع داره و عمل هر قطع من را ثابت کرده است ~~حکومت~~ اولاً پس از الغاء امتیازات خصوصی که به کاپیتولاسیون مانجوس بقول آقای وزیر عدلیه تعبیر میشود قبل از آنکه این مسائل هم در ایران بشود هیچگاه من در نظر ندارم و سابقه ندارد که مؤسسه بانک در اینطور چیزها به حکمت مراجعه کرده باشد بلکه آنچه را که من در خاطر دارم همیشه مراجعه شده است بمبادی صالحتری خاصه پس از آنکه ابطال شد آن مقدمات در ممالک شاهنشاهی ایران آنچه را که من سابقه عملی دارم مؤسسه بانک هم آن مسئله را یک مسئله باطل شده فرض کرد و در تمام جزئی و کلی کارها مراجعه میکرد بمبادی صالحتری که محاکم صالحه دولت شاهنشاهی

ایران باشد و حالا هم قطع دارم که از این معنی مخالف نمیکند من من باب تاکید (در چه در این موقع تاکیدش زیاده تر باشد خیال میکنم ضررش کمتر و نفعش بیشتر میشود) من میل دارم که دولت وقت و آقای وزیر عدلیه توضیح بیشتری در این خصوص بفرمایند که پس از ابطال آن مقررات آیا دیگر مجری برای خطر ذیل ماده ده باقی هست یا دقی نیست . (باسائلی - خیر باقی نیست) این توضیحی بود که من میخواستم وزیر عدلیه - در دو قسمت جواب بنده خینی مختصر و ساده خواهد بود اما راجع به قسمت حکمت ~~حکومت~~ این مربوط باین ضمیمه است یا راجع باصل امتیاز و ضمایم چهارگانه که قبل از این بوده و خود این عرض کنم راجع بکلیه اختلافاتی که مربوط باصل امتیاز و ضمایم چهارگانه و این ضمیمه است و این از خود ماده هم بیرون میآید و اصلاً هم بنده عبارت را قبل و متحد توضیح نمیدانم اما در قسمت دوم که میفرمایند این مطلبی را که بهش اشاره فرمودند ماده ده و همانطور یکی از اصول ضمایم آنرا که پیش بینی حکمت کرده است در مورد دعوی بین افراد و بانک و اختلاف دولت با بانک اما آنچه راجع بقسمت دولت یا بانک است گفته شد قسمت دوم عملاً صرف نظر از اینکه بانک آیا سابقاً هم هیچوقت میرفته است و از این حق استفاده میکرده است یا نمیکرده است هیچوجه داخل در آن نمیشود یک قسم امتیاز قضائی بود که بیانک داده شده بود ولی از آنروزی که دولت ایران تصمیم گرفت که هیچگونه امتیاز قضائی از برای احدی از اتباع خارجه نشناسد (صحیح است) و اتباع مؤسسات خارجی در ایران و مؤسسات اتباع خارجی مطیع محاکم ما هستند از آنروز اصلاً دیگر همان اعلانی را که کرد و بموجب عهدی که آن امتیازات بود آنها را بهم زد و هر قسم چیز دیگری که یکی از اتباع خارجه بدون هیچ استثنای یک امتیاز قضائی داشتند آن از بین رفته است (صحیح است) و دولت دیگر اصلاً محتاج

بذکر این نبوده است . این بوده است که آمده است در حقیقت آنچه به باقی مانده بود که مسئله حکومت بین دولت و بانک باشد آن را پیش بینی کرده است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - ماده چهارم قرائت میشود : ماده چهارم - نظر باینکه نمایندگان مختار بان اعلام نمودند که ماده آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات بن قرار داده میشود و آن اندازه که مطالب مربوط به بانک است اولیاً امور بانک محتاج نیستند آنرا به هیچ نوع تصویب دیگری برسانند لهذا این قرارنامه پس از تصویب مجلس شورای ملی که تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۹ باید آنچه گیرد دارای اعتبار خواهد شد رئیس - آقای سید یعقوب

آقای سید یعقوب - اینجا همان مسئله است اگر چه آقای وزیر عدلیه در جواب آقای فرخی بیان کردند که اینجور است این بانک موضوعی است که چه در خارج هم که صحبت کردیم رفع شبهه شد خواسته عرض کنم اینجا نوشته است : نظر باینکه نمایندگان مختار بان اعلام نمودند که امضای آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات این قرار نامه میدهد و آن اندازه که مطالب مربوط به بانک است اولیای امور بانک محتاج نیستند آنرا به هیچ نوع تصویب دیگری برسانند اینجا چون آقای دکتر حسن خان هم با بنده صحبت کردند بنده هم چون بیک قدری عبارت را گفتند دیدم این است که در مقام توضیح از حضرت عالی برآمده میشود : آن اندازه که مطالب راجع به بانک است . در نظرتان هست عباراتی که در ماده قید میشود یک دفعه قید توضیحی است یک دفعه قید احترازی است . قید توضیحی است یعنی همان بانک در مسئله که راجع به بانک است مرجع است غیر از این نیست . یعنی دیگر مراجعی غیر از بانک نسبت باو نیست . ونسبت با ایران اگر مراجعی است باید برگردد . یکمرتبه هم این است که از این بوی این میاید که نه مطلبی که راجع به بانک است

دوتا است یکی مسئله راجع باقتصادی است یکی مسئله راجع به سیاسی است (بعضی از نمایندگان - نه آقای این طور نیست جهت سیاسی ندارد) سؤال میکنم آقای اکبر آقای توضیح میدهم جهت اقتصادی این بود که امضا شد ولی جهت سیاسی بیگ جی دیگر مربوط است چون این عبارت بیک قدری کش دارد توضیح خواستم . وزیر عدلیه - اینجا است که بنده انتقاد خود را از آقای آقای سید یعقوب نمیندازم محترمه در بعضی عباراتشان که اعلیاء العلماء میگویند باید بگیریم . اگر ایشان هم مثل بنده اعلیاء العلماء بودند و فرانسه این را دیده بودند ایشان میدیدند که این مسئله هیچ باعث این نگرانی ها نمیدانند بشود جنبه سیاسی و جنبه اقتصادی ! و اگر آقایان بخواهند ممکن است پیشنهاد کنند این عبارت برداشته شود . در عبارت فرانسه که تحت المنظ ترجمه شده است یک عبارتی است که تحت المنظ ترجمه شده و ضرورت هم ندارد در فرسی سبب آمده و ضرورت ندارد و لازم نیست . حالا بنده مطلب را عرض میکنم دو طرف هست که این قرار داد را امضا میکنند یکطرف قرار نامه بانک است یک طرف دیگر دولت بانک وقتی که نماینده هر یک امضا کردند گفتند و البته اسناد و مدارک خودشان را هم نشان دادند که محتاج نیست امضای آنها در جی دیگر تصویب بشود تا آنکه معامله وقوع پیدا کند . پس بلافاصله بعد از آنکه امضا کردند از طرف خودشان متعهد شدند درست . و البته شرط هم شد که دولت ایران در ظرف مدت معینی باید تکلیف آنها معین کند که از مجلس بگذرانند . اما مجلس شورای ملی بایستی اینرا تصویب بکند تا وقتی که از طرف دولت ایران قطعی بشود این دو طرف این قرارداد . این است که میگوید : نظر باینکه نمایندگان مختار بانک اعلام نمودند که امضای آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات این قرار نامه میدهد و آن اندازه که مطالب مربوط به بانک است اولیای امور بانک محتاج نیستند آنرا به هیچ نوع تصویب دیگری برسانند . یعنی آنها از طرف خودشان احتیاج ندارند

و اینطرف فقط احتیاج دارد پس لهذا این قرار نامه پس از تصویب مجلس شورای ملی الی آخر. حالا اگر شما این را لازمه میدانید پیشنهاد کنید و اصل فرانسس میماند و معنای فرانسس عبارت از این است که از آن طرف از روزی که امضا کنند امضایشان قطعی است و البته شرط کردند ما هم بیاوریم اینجا مجلس شورای ملی تصویب کند تا ما بتوانیم امضا کنیم و این عبارت تحت اللفظی وقتی بندرسی در آمده است این شده است و الا نه این یک جنبه خاصی دارد و نه بانک یک جنبه اقتصادی و یک جنبه سیاسی. بانک یک مؤسسه تجریتی و صرافی است در ایران و بالاخره یک مؤسسه اقتصادی است در ایران و ما با آن مؤسسه اقتصادی قرار گذاشتیم. این ترتیب که ملاحظه میفرمائید و عبارت هر هیچ چیز در هم مهمی ندارد که امضای طرف محتاج بین نیست که چیزی دیگر تصویب بشود علت آنرا هم عرض میکنم علت آن این است که در بعضی شرکتها بیستی وقتی یک چیزی را تعهد میکنند بپردازند به مجمع عمومی شن رجوع میکنند برای این است که دولت خواسته است اینجا محکم کاری کند از جهت اینکه وقتی که امضا میکنند تکلیف بعدش را معلوم کند نمایندگان بانک گفتند بموجب اساس نامه شرکت خودمان یعنی اساس نامه بانک ما احتیاج نداریم که به مجمع عمومی بپردازیم و وقتی ما با این اختیار اینکه از طرف هیئت مدیره داریم آمدیم اینرا امضا کردیم دیگر امضای ما معتبر است و کافی است و ما گفتیم بسیار خوب همین را بنویسید که جی دیگر حق نداشته باشد امضا و تصدیق کند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دکتر عظیمی

مقدمه منبع ریاست مجلس: بنده پیشنهاد میکنم که این جمله از ماده چهارم آن اندازه که مطالب مربوط بانک است حذف شود زیرا ایجاد باشو و تنهایی مینماید و در حذف آنهم تغییری در معنی داده نمیشود.

پیشنهاد آقای شریعت زاده

اینجانب ماده واحده ذیل را پیشنهاد میکنم
ماده واحده - دولت مجوز است مواد چهارم که منضمه بین قانون را بعنوان ضمیمه ماده ۵ متمم نامه بانک شاهنشاهی ایران به بانک مزبور مبادله نماید

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم که عبارت و آن اندازه که مطالب الی آخر حذف شود و همچنین کلمه بپرد حذف شود
رئیس - رأی میگیریم بورد در شور دوم آقایانیکه تصویب میماند قید فرماید (لاشرف قیسه نمودند) تصویب شد

۳ - تقاضای اضافه اعتبار برای تعمیر مقبره فردوسی

رئیس - آقای آریاب کیخسرو مطالبی داشتید؟
آریاب کیخسرو - اگر چه منتهی را که بنده میخواهم عرض کنم بخاطر اغلب آقایان متوجه مستحضرات و بطوریکه اطلاع دارند در تیر ماه ۱۳۰۶ شرحی اینجا راجع به مقبره فردوسی عرض شد و مجلس شورای ملی هم در ۲۹ تیر ماه ۱۳۰۶ بیست هزار تومان اعتبار داد از صرفه جوئی مجلس کم-ک است بشود به ساختن مقبره فردوسی در آن موقع تصور شد بیست هزار تومان با وجوهی که انجمن آثار ملی جمع آوری کرده بود کافی است برای ساختمان مقبره از نقطه نظر نقشه که در آنوقت تهیه شده بود بعد ها نظر دیگر گرفته شد که یک تجدید نظری در نقشه بشود تجدید نظر در نقشه شد و نقشه توسط مستر گدار آن کسی که مستخدم دولت است تهیه شد و از روی آن نقشه شروع ساختمان کردند از روی این نقشه متدرجا در عمل معلوم شد که آن مقبره که در نظر گرفته شده است از مقامات عالی و انجمن آثار ملی که تا اندازه در واقع درخورشان فردوسی باشد و از طرف ملت بخواند قدر دانی بشود محدود شصت هزار تومان تمام میشود با وجوهی که جمع آوری شده بود حساب کردیم به حدود بین بیست و شش و بیست و

هفت هزار تومان بود بخاطر محدود بیست و یک هزار تومان به محل رسانیده شده است که در حدود تقریباً نوزده هزار تومان بخاطر خرج شده است خرج آنجا توسط هیئتی میشود که آن هیئت همیشه تشکیل میشود در تحت ریاست وائی قسمت عمده آن در تحت نظر آقای چه و وائی آنجا بوده است قسمتی هم در تحت ریاست آقای تقی زاده در موقعی که وائی بوده اند بعدها بز همینجور بترتیب و البته قسمت اعظم این زحمت را آقای اسدی متولی باشی متحمل شده اند و بنده هم بسهم خوده خیلی تسکین دادم از ایشان و بعد که باین برخوردند برای جبران این در نظر گرفته شد که بقیدش را هم بپردازند که امید واری است نمایندگان امسال مقبره تمه بشود (در بانک انشاء الله) مقبره خودش ساختمان خیلی محکم است بطوریکه اگر با آن شعری که خود فردوسی گفته است که آن اساس تاریخی او هیچوقت از هیچ بد و بدالی متزلزل نخواهد شد آنها حتی المقدور با چیزی باشد که سالها دوام کند (اورنگ - زردو زهران نیند گرد) تمام از سنات مرمر و سنگهای مخصوص خراسان

است و در کل استیحاگ نقشه ریزی آن شده است برای تهیه نقشه پول آن اینجور در نظر گرفته شده است که در حدود بیست هزار تومان را مقامات عالی تر بدیه بکنند ده هزار تومان هم در نظر گرفته شده است که بز استدعا بشود از مجلس شورای ملی که از صرفه جوئی های خودش اختصاص بدهد کمات بین کار بشود که اینکار ختمه پیدا بکنند از این جهت پیشنهادی از برای این ده هزار تومان که بهضای هفتاد نفر از آقایان نمایندگان است تقدیم میشود زودتر ترتیب آنرا بدهند که هر چه زودتر این کار مطابق دخواه انجمن بشود (صحیح است)

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر اجازه بفرمائید جلسه آینده سه شنبه ششم خرداد ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور شور ثانی لایحه بانک

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

